

En



سورہ ص

بہ خط ابوالحسن مظہر نے نگارش آسان

سوره ۳۸ - ۸۸ آیه - مکی ﴿ سُورَةُ ص ﴾

Surah 38: (Saad)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



ص ج

ص (رمز خدا و رسول است یا اشاره است به صمد و صانع و صادق از اسماء الهی یا به صفی و مصطفی

S.

وَالْقُرْءَانِ ذِي الذِّكْرِ ۱

که القاب پیغمبر است) قسم به قرآن صاحب مقام ذکر (وعزت و شرافت و پند آموز عالمیان). (۱)

By the Qur'an so full of renown! (1)



بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا

(که محمد «ص» رسول حق و قرآن بزرگ معجز اوست) بلکه کافران
Rather those who disbelieve [are toying]

فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ ۲

(که منکر اویند) در مقام غرور و سرکشی و عداوت حق هستند. (۲)
with prestige and dissension. (2)



كَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ

ما پیش از اینها طوایف بسیاری را به هلاکت رسانیدیم

How many generations have We wiped out before them?

فَنَادَوْا وَ لَاتَ حِينِ مَنَاصٍ

۳

و آن هنگام فریادها کردند و هیچ راه نجاتی بر آنها نبود. (۳)

They called out, and the time for escape had lapsed. (3)



وَ عَجِبُوا

و (مشركان مگه) تعجب کردند

They are surprised

أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ

که رسولی از همان نژاد عرب برای تذکر و پند آنان آمد،

that a warner should come to them from among themselves.



۷
وَقَالَ الْكٰفِرُونَ

و آن کافران گفتند:

Disbelievers say:

هٰذَا سٰحِرٌ كٰذِبٌ ﴿٤﴾

او ساحری دروغگوست. (۴)

"This is some lying magician! (4)



٨
أَجْعَلَ الْأِلَهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا ۚ

آیا او چندین خدای ما را منحصر به یک خدا کرده (و به معبود یگانه
Has he made [all] the gods into One God?

إِن هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ ۝٥

دعوت می کند؟ این بسیار تعجب آور و حیرت انگیز است. (۵)
This is such an amazing thing!" (5)



وَأَنْطَلِقَ الْأُمَلَاءُ مِنْهُمْ أَنْ أَمْشُوا

و گروهی از سران قوم به راه افتاده (و چنین رأی دادند) که باید طریقه خود

The elders among them sound off: "Walk around

وَأَصْبِرُوا عَلَىٰ آلهَتِكُمْ ز

را ادامه دهید و در پرستش خدایان خود ثابت قدم باشید،

and be patient concerning your gods.



إِن هَذَا

این کاری است که مراد همه است (یا این قیام پیغمبر بر محو و نابود ساختن

This is something

لَشَيْءٍ يُرَادُ



بتان از پیشامدهای بد روزگار است که باید با آن مقاومت کنیم). (۶)

to be desired. (6)



مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ

این را (که دعوی محمد است در توحید و یگانگی خدا) در آخرین ملت (هم که ملت و آیین

We have not heard any of this among any latterday denomination;

إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ



مسیح است) نشنیده ایم (زیرا ملت عیسی نیز به سه خدا و اقانیم سه گانه معتقد است)،

this is merely a fabrication. (7)



أَنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ

این جزبافندگی و دروغ چیز دیگری نیست. (۷) آیا میان همه ما (بزرگان عرب)

Has a Reminder been revealed

مِنْ بَيْنِنَا

قرآن (مخصوصاً) بر او فرود آمد؟ (در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت!)

just to him among us?"



بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي ج

بلکه این کافران از (وحی) قرآن من در شک و ریبند، بلکه هنوز عذاب (قهر) مرا نچشیده‌اند (که

Indeed they are in doubt about My reminder;

بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ٨

دست از کفر بر نمی‌دارند). (۸)

rather they have not yet tasted any torment! (8)



أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِرٌ رَّحْمَةٍ

آیا گنجهای رحمت خدای تو که در کمال اقتدار و بخشندگی است

Or do they have treasures from the mercy

رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۹

نزد این مردم است (تا مقام رسالت را به هر که خواهند بخشند)؟ (۹)

of your Lord, the Powerful, the Bountiful? (9)



أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

یا مگر سلطنت آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست با این کافران است؟ پس (اگر چنین

Have they control over Heaven and Earth and whatever [lies]

وَمَا بَيْنَهُمَا^ز فَلْيُرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ^{۱۰}

است) به هر سبب (که می توانند بر آسمانها) بالا روند (تا وحی را بر هر که خواهند فرود آرند). (۱۰)

between them? Let them haul themselves up on ropes. (10)



جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ

این نالایق سپاه کفر (بدخواه اسلام) از احزاب مغلوب و نابود شدنی

What a partisan army

مِنْ الْأَحْزَابِ ۱۱

در آنجاست. [یعنی در بدر. و این از اخبار غیبی قرآن کریم است. (م)] (۱۰)

will be routed there! (11)



كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان)
Noah's folk and 'Ad's rejected [Me] before them,

وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ

۱۲

صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند. (۱۲)
and [so did] Pharaoh who [impaled men] on stakes, (12)



ج ۱۸
وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ لَيْكَةِ

و طایفهٔ تمود (امت صالح) و قوم لوط و اصحاب ایکه (امت شعیب) این اقوام هم
and Thamud, Lot's folk, and the inhabitants of the Forest.

۱۳
أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ

احزاب و لشکرهای بسیار (بر علیه انبیاء) بودند (و همه هلاک شدند). (۱۳)
Those were all partisans; (13)



إِنِّ كُلِّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ

و آنان به جز تکذیب انبیا، فکری و عملی نداشتند،
every last one rejected the messengers,

فَحَقَّ عِقَابٌ ۱۴

بدین جهت عقاب من بر آنها حتم و واجب گردید. (۱۴)
so My punishment was justified. (14)



۲۰
وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

و این مردم جز یک صیحه (آسمانی که بر هلاکشان ندا کند) انتظاری ندارند

Those persons only await a single Blast

مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ۱۵

و دیگر آن را بازگشتی نیست (دیگر ابداً به دنیا باز نمی‌گردند). (۱۵)

which will [allow for] no delay. (15)



وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا

و کافران (به تمسخر) گفتند: ای خدا، حساب نامه اعمال ما را تعجیل کن

They will say: "Our Lord, hasten our doom for us

قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ

۱۶

و پیش از روز حساب انداز. (۱۶)

before the Day of Reckoning!" (16)



۲۲
أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا

تو بر سخنان (طعن و سخریّه) آنها صبر کن و از بنده ما داود یاد کن که (در اجرای

Endure what they are saying and remember how Our servant

دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ وَأَوَّابٌ ۱۷

امر ما) بسیار نیرومند بود (از احدی اندیشه نداشت) و دایم توبه و انابه می کرد. (۱۷)

David commanded assistance; he was attentive [to God]. (17)



إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ

ما کوه‌ها را با او مسخر کردیم

We forced the mountains to glorify [God] with him

يُسَبِّحُنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

۱۸

که شب و روز خدا را تسبیح و ستایش می‌کردند. (۱۸)

at evening and sunrise (18)



وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً

و مرغان را مسخر (نغمهٔ خوش او) کردیم که نزد او مجتمع گردند و همه به
 —and the birds were summoned

كُلٌّ لَّهُ وَأَوَّابٌ

۱۹

دربارش از هر جانب باز آیند (و در ستایش خدا با او هم آهنگ شوند). (۱۹)
 and each was [made] attentive to him. (19)



۲۵
وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ **و** عَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ

و ملک و شاهی او را نیرومند ساختیم و به او قوهٔ درک حقایق
We strengthened his control and gave him wisdom

وَفَصَّلَ الْخُطَابَ 

و سخن قطعی در داوری (یا تمیز حق از باطل) عطا کردیم. (۲۰)
and distinction as an orator. (20)



وَهَلْ أَتَتْكَ نَبُوءُ الْخَصْمِ

و آیا حکایت آن (دو فرشته به صورت) خصم به تو رسیده است
Has news of the litigants ever reached you,

إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ۲۱

که از بالای غرفهٔ عبادتگاه (داود بی اجازه) بر او وارد شدند؟ (۲۱)
when they climbed over the wall into the sanctuary? (21)



إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ

هنگامی که (در محراب) بر داود داخل شدند و او از آنان سخت هراسان شد
Thus they burst in upon David so he was startled by them.

قَالُوا لَا تَخَفْ

(که مبادا دشمن باشند) آنان بدو گفتند: مترس،

They said: "Don't be afraid:



خَصْمَانِ بَغِي

ما دو تن (یا دو گروه) خصم یکدیگریم
[we are] **two litigants,**

بَعْضُنَا عَلَي بَعْضٍ

که برخی بر دیگری ستم کرده (و به حکومت پیش تو آمده‌ایم)،
one of whom has injured the other;



فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشِطُّ

میان ما به حق حکم کن و با هیچ یک جور و طرفداری مکن
so judge correctly between us and do not act too stern.

وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ۲۲

و ما را به راه راست دلالت فرما. (۲۲)
Guide us along the Level Road. (22)



إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ

این برادر من

"This is my brother;

تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْبَةً

نود و نه رأس میش داراست

he has ninety-nine ewes



وَلِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا

و من یک میش، این یک را هم گفته به من واگذار،

while I have but a single ewe. He has said: 'Turn her over to me,'

وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ

۲۳

و با من به قهر و غلبه و تهدید آمیز خطاب کرده است. (۲۳)

and has spoken harshly to me." (23)



قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ

داود گفت: البته بر تو ظلم کرده که خواسته است

He said: "He has wronged you by asking

بِسْؤَالٍ نَعَجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ

یک میش تو را به میش‌های (نود و نه گانه) خود اضافه کند،

for your ewe [to be added] to his own ewes.



وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي

و بسیار معاشران و شریکان در حق یکدیگر

Many partners try to take advantage

بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ

ظلم و تعدی می کنند

of one another,



إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

مگر آنان که اهل ایمان و عمل صالح هستند

except for those who believe and perform honorable deeds.

وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ

که آنها هم بسیار کم‌اند. و (پس از این قضاوت بی‌تأمل و سریع)

Such are few indeed."



وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتْنَاهُ فَاَسْتَغْفَرَ

داود دانست که ما او را سخت امتحان کرده‌ایم، در آن حال از خدا عفو و آمرزش
David suspected that We were merely testing him, so he sought forgiveness

سجده مستحبر



رَبِّهِ وَخَرَّ رَاكِعًا وَانَابَ

طلبید و به سجده افتاد و با تواضع و فروتنی (به درگاه خدا) بازگشت. (۲۴)
from his Lord and dropped down on his knees [in worship], and repented. (24)

فَغَفَرْنَا لَهُ وَ ذَٰلِكَ وَإِنْ لَهُ

ما هم از آن کرده عفو کردیم و از او درگذشتیم
So We forgave him that. He enjoys precedence

عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ حُسْنِ مَّآبٍ ۲۵

و او نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلت است. (۲۵)
with Us and the finest retreat. (25)



يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ

(و او را گفتیم که) ای داود، ما تو را

David, We have placed you

خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ

در روی زمین مقام خلافت دادیم،

as an overlord on earth,



فَاَحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

پس میان خلق خدا به حق حکم کن
so judge among men correctly

وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى

و هرگز هوای نفس را پیروی نکن
and do not follow any whims



فَيُضِلُّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ج

که تو را از راه خدا گمراه سازد
which will lead you away from God's path.

إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

و آنان که از راه خدا گمراه شوند
Those who stray from God's path



لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده‌اند
will have severe torment

بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ

۲۶

به عذاب سخت معذب خواهند شد. (۲۶)

because they have forgotten the Day of Reckoning! (26)



وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ

و ما آسمان و زمین و هر چه را بین آنهاست

We did not create Heaven and Earth and whatever [lies]

وَمَا بَيْنَهُمَا بِاطِلَالٍ

بازیچه و باطل خلق نکرده ایم،

in between them to no purpose.



ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ج

این گمان کافران است،

That is the opinion of those who disbelieve.

فَوَيْلٌ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنَ النَّارِ ۗ ۲۷

و وای بر کافران از آتش دوزخ. (۲۷)

Those who disbelieve should beware of the Fire! (27)



أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ
آمَنُوا

آیا ما آنان را که ایمان آورده

Shall We treat those who believe

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و به اعمال نیکو پرداختند

and perform honorable deeds



كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ

مانند مردم (بی ایمان) مفسد در زمین قرار می دهیم؟ یا مردمان با تقوا و
just like mischief-makers on earth?

أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ۲۸

خدا ترس را مانند فاسقان بدکار قرار می دهیم (و مانند آنان جزا خواهیم داد)؟ (۲۸)
Or should We treat those who do their duty, like lawbreakers? (28)

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا

(این قرآن بزرگ) کتابی مبارک و عظیم الشان است که به تو نازل کردیم تا امت
 We have sent down a Book to you that is blessed, so prudent men

عَايَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ۲۹

در آیاتش تفکر کنند و صاحبان مقام عقل متذکر (حقایق آن) شوند. (۲۹)
 may ponder over its verses and thereby be reminded. (29)



وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ ج

و به داود (فرزندش) سلیمان را عطا کردیم، او بسیار

We bestowed Solomon on David.

نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۳۰

نیکو بنده‌ای بود، زیرا بسیار به درگاه خدا با تضرع و زاری رجوع می‌کرد. (۳۰)

How favored was such a servant; he was so attentive! (30)



إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ

(یاد کن) وقتی که بر او اسبهای بسیار تندرو و نیکو را (هنگام عصر) ارائه دادند

When the thoroughbreds were led out

بِالْعِشِيِّ الصَّافِنَاتِ الْجِيَادِ

۳۱

(و او به باز دید اسبان پرداخت برای جهاد در راه خدا و از نماز عصر غافل ماند). (۳۱)

to prance before him in the evening, (31)



فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن

در آن حال گفت: (افسوس) که من از علاقه و حبّ اسبهای نیکو از ذکر
he said: "I have loved good things instead of remembering God,"

ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۳۲

و نماز خدا غافل شدم تا آنکه آفتاب در حجاب شب رخ بنهفت. (۳۲)
until the [sun] was concealed behind the veil [of night again]. (32)

رُدُّوْهَا عَلَيَّ ز فَطَفِقَ مَسْحًا

آن گاه (با فرشتگان موکل آفتاب) خطاب کرد که (به امر خدا) آفتاب را بر من بازگردانید (چون
 "Bring them back to me!" [he said], and he started to stroke

بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ۳۳

برگشت، اداء نماز کرد) و شروع به دست کشیدن بر ساق و یال و گردن اسبان کرد (و همه را برای
 their legs and necks. (33)



وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا

جهاد در راه خدا وقف کرد). (۳۳) و همانا ما سلیمان را در مقام امتحان آوردیم و کالبدی

We tested Solomon and dropped a [nother] body

عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ

۳۴

بر تخت وی افکندیم، آن گاه متذکر شد و باز به درگاه خدا توبه و انابه کرد. (۳۴)

on his seat; then he repented. (34)



قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي

عرض کرد: بار الهما، به لطف و کرمت از خطای من درگذر

He said: "My Lord, forgive me

وَهَبْ لِي مُلْكًا

و مرا ملک و سلطنتی عطا فرما

and bestow control on me



لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي

که پس از من احدی را نسزد،
such as will not suit anyone after me.

۳۵

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

که تو تنها بخشنده بی عوضی. (۳۵)
You are the Bountiful!" (35)



فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً

ما هم باد را مسخر فرمان او کردیم که به امرش هر جا می خواست

So We subjected the wind to him: it blew gently at his command

۳۶

حَيْثُ أَصَابَ

به آرامی روان می شد. (۳۶)

wherever he directed it; (36)



وَالشَّيَاطِينِ

و دیو و شیاطین را هم که بناهای عالی می ساختند و از دریا جواهرات
and the devils,

كُلِّ بِنَاءٍ وَ غَوَّاصٍ

گرانبها می آوردند نیز مسخر امر او کردیم. (۳۷)
every builder and diver, (37)



وَأَخْرَيْنَا

و دیگران از شیاطین را (که در پی اضلال خلق بودند،
as well as others

مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

۳۸

به دست او) در غل و زنجیر کشیدیم. (۳۸)
hitched together in a chain gang. (38)



هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ

این (نعمت سلطنت و قدرت) عطاى ماست، اینک بی حساب

Such are Our gifts; grant them freely

أَوْ أَمْسِلْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۳۹

به هر که خواهی عطا کن و از هر که خواهی منع. (۳۹)

or hold them back, without any [further] reckoning." (39)



وَإِنَّ لَهُ وَعِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ

و همانا او نزد ما بسیار مقرب
He holds precedence with Us

وَ حُسْنِ مَّآبٍ ٤٠

و نیکو منزلت است. (۴۰)
and the finest retreat. (40)



وَإِذْ كُنَّا عَبْدًا لَّيُوبَ

و یاد کن از بندهٔ ما ایوب

Remember Our servant Job

إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ

هنگامی که به درگاه خدای خود عرض کرد:

when he called upon his Lord:



أَبِي مَسْنِي الشَّيْطَانِ

(پروردگارا) شیطان مرا سخت رنج

"Satan has afflicted me

بِنُصَبٍ وَعَذَابٍ ۴۱

و عذاب رسانیده (تو از گرم نجاتم بخش). (۴۱)

with toil and torment." (41) "Stomp your foot;



أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ

(خطاب کردیم که) پای به زمین زن (زد و چشمهٔ آبی پدید آمد، گفتیم) این آبی است سرد

this is a cool spring

هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ

۴۲

برای شستشو و نوشیدن (در آن شستشو کن و از آن بیاشام تا از هردرد و الم بیاسایی). (۴۲)

to wash in and for drinking (too)." (42)



وَوَهَبْنَا لَهُ وَأَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَعَهُمْ

و ما اهل و فرزندانی که از او مُردند و به قدر آنها هم علاوه به او عطا کردیم تا در
We restored his family to him and the like of them besides,

رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرًا لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۴۳

حق او لطف و رحمتی کنیم و تا صاحبان عقل (نتیجه صبر در بلا را) متذکر شوند. (۴۳)
as a mercy from Us and a Reminder for prudent persons. (43)

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا

و (ایوب را گفتیم) دسته‌ای از چوبهای باریک (خرما) به دست گیر

Take a bundle [of twigs] in your hand

فَاضْرِبْ بِهَا وَلَا تَخْنَثْ ط

و (بر تن زن خود که بر زدنش قسم یاد کردی) بزن و عهد و قسمت را نشکن

and beat [your wife] with it, and do not break your word."



إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا ج

(و زن را هم بی گناه نیازار) ما ایوب را بنده صابری یافتیم،

We found him to be patient;

نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۴۴

نیکو بنده‌ای بود که دایم رجوع و توجهش به درگاه ما بود. (۴۴)

how favored was such a servant. He was so attentive! (44)



وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيمَ وَاِسْحٰقَ

و باز یاد کن از بندگان خاص ما ابراهیم و اسحاق

Remember Our servants Abraham, Isaac

وَ يَعْقُوبَ اُولِيَ الْاَيْدِي وَاَلْبَصَارِ ٤٥

و یعقوب که همه (در انجام رسالت) صاحب اقتدار و بصیرت بودند. (۴۵)

and Jacob, who possessed both might and insight. (45)



إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ

ما آنان را خالص و پاکدل

We dedicated them specifically

ذِكْرِي الدَّارِ ٤٦

برای تذکر سرای آخرت گردانیدیم. (۴۶)

as a reminder for the Home; (46)



وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا

و آنها نزد ما
some of them

لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ ٤٧

از برگزیدگان و خوبان عالم بودند. (۴۷)
were selected from the very best by Us. (47)



وَإِذْ كُنَّا نَسْمِعُ لِمَنْ يُرِيدُ

و باز یاد کن از اسماعیل و یسع

Remember Ishmael, Elisha and [Ezekiel]

وَإِذْ كُنَّا نَسْمِعُ لِمَنْ يُرِيدُ

۴۸

و ذوالکفل که همه از نیکویان جهان بودند. (۴۸)

with the Commission; each [came] from the very best. (48)



هَذَا ذِكْرٌ

این آیات پند و یادآوری (نیکان) است،

This is a Reminder;

وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ حُسْنَ مَأْتَابٍ ۴۹

و البته در جهان جاودانی برای اهل تقوا بسیار نیکو منزلگاهی است. (۴۹)

those who do their duty shall have a fine retreat, (49)



جَنَّاتِ عَدْنٍ

باغهای بهشت ابد
gardens of Eden

مُفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ



که درهایش به روی آنان باز است. (۵۰)
whose gates will swing open for them! (50)



مُتَكِّئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا

در آنجا بر تختها تکیه زنند

Relaxing there, they will call

بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾

و میوه‌های بسیار خوش و شراب می‌طلبند. (۵۱)

for much fruit and drink in them. (51)



وَعِنْدَهُمْ 

و در خدمت آنها

With them

فَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَمْثَلُ
 ۵۲

حوران جوان شوهر دوست با عفتند. (۵۲)

there will be bashful mates equal in age to them. (52)



۵۳

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ

این (نعمت ابد) همان است که در روز حساب به آنها وعده‌تان می‌دادند. (۵۳)

This is what you were promised on the Day of Reckoning; (53)

۵۴

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ

این است همان رزق بی‌انتهای ابدی ما. (۵۴)

this is Our provision which will never be used up. (54)



هَذَا ج

حقیقت حال خوبان این است،

Such will it be,

وَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ لَشَرَّ مَأْتَبٍ ۝۵۵

و اهل کفر و طغیان را بدترین منزلگاه است. (۵۵)

while the arrogant will have the worst retreat— (55) Hell! They will



جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا

آنان به دوزخ در آیند

roast in it,

فَبِئْسَ الْمِهَادُ

۵۶

که بسیار بد آرامگاهی است. (۵۶)

and on an awful couch! (56)



هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ

این است (از قهر حق عذابشان) و آنجا آب گرم عنف حمیم [آب جوشان] و

Here it is; let them taste it:

وَ غَسَّاقٌ



غَسَّاقٌ [زرداب چرکین گندآلود] را هم باید بچشند و بنوشند. (۵۷)

scalding water and bitter cold; (57)



وَأَخْرُ

و از این
and others

مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٍ

۵۸

عذابهای گوناگون دیگر. (۵۸)
of its sort to match. (58)



هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ

این گروهی هستند که با شما (رؤسای کفر و ضلالت) به دوزخ در آمدند (در

Here comes a troop rushing at you!

لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ

این حال رؤسا گویند) بدا بر حال اینان که در عذاب آتش فروزان شدند. (۵۹)

They have no welcome here, for they must roast in the Fire. (59)

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْرَحِبًا بِكُمْ ز

اهل دوزخ در جواب (رؤسایشان) گویند: بلکه بدا بر احوال خود شما، زیرا شما
They will say: "Indeed you have no welcome either."

أَنْتُمْ قَدْ مَتَّمَوْهُ لَنَا ز فَبِئْسَ الْقَرَارُ ٦٠

آن را برای ما پیش فرستادید (و سبب شدید)، که بسیار آرامگاه بدی است. (۶۰)
You have prepared it for us; what an awful plight!" (60)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا

باز تابعان به درگاه خدا عرض کنند: پروردگارا، آن کس که برای ما
They will say: "Our Lord, whoever prepared this for us?"

فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾

این عذاب را پیش فرستاد تو در آتش، عذابش را چندین برابر بیفزا. (۶۱)
Give him double torment in the Fire!" (61)



وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا

و (اهل دوزخ با یکدیگر) گویند: چه شده که ما مردانی (مؤمن) را
 They will say: "What is the matter with us that we do not see

كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ

۶۲

که از سفله و اشرار می شمردیم نمی بینیم؟ (۶۲)

any men whom we used to consider were evil persons? (62)



أَتَّخَذْنَا هُمْ سِخْرِيًّا

آیا (چون) ما آنها را (در دنیا) مسخره و استهزاء می کردیم (اینک به دوزخ

Did we take them for laughingstocks

أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْبَصَارُ

۶۳

در نیامده اند؟ یا (آنها اهل دوزخ هستند و) چشمان ما بر آنها نمی افتد؟ (۶۳)

or has our eyesight failed to notice them?" (63)



إِنَّ ذَلِكَ حَقٌّ

این منازعه اهل آتش دوزخ

That is true: the people

تَخَاصُّمِ أَهْلِ النَّارِ ۶۴

محقق و حتمی است. (۶۴)

in the Fire will just argue away. (64)



قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَهٌ

بگو که من رسولی منذر (و ناصح) بیش نیستم و جز خدای فرد قهار

SAY: "I am only a warner, and there is no deity

إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾

(که بر همهٔ عالم غالب و قاهر است) خدایی نیست. (۶۵)

except God Alone, the Irresistible, (65)



رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

آفریننده آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست،
Lord of Heaven and Earth and whatever [lies]

وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۶۶)

همان خدای مقتدر و بسیار آمرزنده. (۶۶)
in between them, the Powerful, the Forgiving!" (66)



قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ

۶۷

بگو آن (حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم) خبر بزرگ عالم

SAY: "It is a fateful message (67)

۶۸

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ

است. (۶۷) (و دریغا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض می‌کنید. (۶۸)

you are shunning. (68)



مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ

مرا بر فرشتگان عالم بالا که (در قضیه خلق آدم یا غیر آن)

I have no knowledge about the supreme council

بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

۶۹

خصوصیت و گفتگو داشتند، علمی (پیش از وحی خدا) نبود. (۶۹)

such as they claim to have. (69)



إِنِّ يُوحَىٰ إِلَيَّ

و به من وحی نمی رسد

It has been revealed to me

إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾

جز اینکه من با بیان روشن و آشکار (خلق را از عذاب خدا) بترسانم. (۷۰)

only that I am a plain warner." (70)



إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ

(یاد کن) هنگامی که خدایت به فرشتگان گفت

Once your Lord told the angels:

إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ۷۱

که من بشری از گل خواهم آفرید. (۷۱)

"I am about to create a human being out of clay. (71)



فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ

پس آن گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم

When I have fashioned him and breathed some of

۷۲ مِّنْ رُّوحِي فَاقْعُوا لَهُ وَسَاجِدِينَ

و از روح خود در او بدمیدم بر او به سجده درافتید. (۷۲)

My spirit into him, drop down on your knees before him." (72)



فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ

پس تمام فرشتگان

The angels all bowed down



كُلَّهُمْ أَجْمَعُونَ

بدون استثنا سجدہ کردند. (۷۳)

on their knees together (73)



إِلَّا ابْلِيسَ اسْتَكْبَرَ

مگر شیطان که غرور و تکبر ورزید
 except for Diabolis; he was too proud

۷۴

وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ

و از زمره کافران گردید. (۷۴)
 and a disbeliever besides. (74)



قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ

خدا به شیطان فرمود: ای ابلیس، تو را چه مانع شد که به موجودی (با قدر

He said: "Diabolis, what prevents you from kneeling down

أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي

و شرافت) که من به دو دست (علم و قدرت) خود آفریدم سجده کنی؟

before something I have created with My own hands?



أَسْتَكْبَرْتَ

آیا تکبر و نخوت کردی یا از فرشتگان

Have you become too proud,

أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ۷۵

بلند رتبه عالم قدس اعلا بودی (که نمی بایست سجده کنند)؟ (۷۵)

or are you overbearing?" (75)



قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ

شیطان گفت: من از او بهترم، که مرا از آتش (نورانی سرکش)

He said: "I am better than he is: You created me from fire

وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

و او را از گل (تیره پست) خلقت کرده‌ای. (۷۶)

while You created him from clay." (76)



قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا

خدا فرمود (ای شیطان جاهل خودبین) اینک از این جایگاه بیرون رو

He said: "Clear out of here!"

فَإِنَّكَ رَجِيمٌ



که تو (غرور و تکبر کردی و) سخت رانده درگاه ما شدی. (۷۷)

You are an outcast; (77)



وَإِنِّي لَعْنَتِي

و بر تو لعنت (و غضب) من تا روز جزا
upon you My curse will rest

۷۸

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

حتمی و محقق است. (۷۸)
until the Day for Repayment." (78)



قَالَ رَبِّ

شیطان عرض کرد: پروردگارا،

He said: "My Lord,

فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾

پس مهلتم ده که تا روز قیامت زنده مانم. (۷۹)

let me wait until the day when they will be raised up again." (79)





قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ

خدا فرمود: از مهلت یافتگان قرار دادیم. (۸۰)

He said: "You are one of those who may wait (80)"



إِلَى يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

تا روز معین و وقت معلوم (که صلاح نظام عالم می دانیم). (۸۱)

till a day in known time." (81)



۸۲

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا غُيُوبَ لَهُمْ أَجْمَعِينَ

شیطان گفت: به عزت و جلال تو قسم که خلق را تمام گمراه خواهم کرد. (۸۲)

He said: "Through Your influence, I'll seduce them all (82)"

۸۳

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ

مگر خاصان از بندگانت را که دل از غیر بریدند و برای تو خالص شدند. (۸۳)

except for those among them who are Your sincere worshippers." (83)

قَالَ فَالْحَقُّ

خدا فرمود: به حق سوگند

He said: "Such is the Truth,

وَالْحَقُّ أَقُولُ



و کلام من حق و حقیقت است. (۸۴)

and the Truth do I speak: (84)



لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ

که جهنم را از (جنس) تو

I shall fill Hell with you

۱۵

وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

و پیروانت از آنان تمام پر خواهم کرد. (۱۵)

and any of them who follows you!" (85)



قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

(ای رسول، به امت) بگو: من مزد رسالت از شما نمی خواهم

SAY: "I do not ask you (all) for any payment for it.

وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ

و من (بی حجت و برهان الهی مقام وحی و رسالت را) بر خود نمی بندم. (۸۶)

Nor am I standing on ceremony; (86)



إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ

این قرآن نیست جز اندرز و پند
 it is only a Reminder to [everyone in]



لِلْعَالَمِينَ

برای اهل عالم. (۸۷)
 the Universe, (87)



وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَاهُ

و شما منکران بر صدق و حقیقت این مقال پس از چندی (هنگام مرگ و
so you may know its message



بَعْدَ حِينٍ

انتقال به آخرت) به خوبی آگاه می شوید. (۸۸)
after a while." (88)





Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



www.negareh-asan.ir

نِگارِش
آسان